

ازمیان خبرها

## در زندان مرگزی مشهد عامل قتل پدرزن به چوبه دار آویخته شد

**سجاد پور** – جوانی که به خاطر اختلافات مالی پدرزنش را به قتل رسانده بود، سپیده دم سه شنبه گذشته در زندان مرگزی مشهد به دار مجازات آویخته شد. به گزارش اختصاصی خراسان، این حادثه تلخ دهم مرداد سال ۹۰ در یکی از مناطق نیشابور در حالی رخ داد که داماد و پدرزن به خاطر مسائل مالی بایکدیگر درگیر شدند که در این میان داماد جوان با ضربات چاقو پدرزنش را کشت. با دستگیری متهم به قتل و انجام تحقیقات مقدماتی، این پرونده به شعبه سوم کیفری یک خراسان رضوی ارجاع شد و داماد جوان به قتل پدرزنش اقرار کرد. این حکم پس از اعتراض و کیل مدافع متهم، در شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور نیز مورد رسیدگی قرار گرفت اما رای صادر شده به تایید رسید و بدین ترتیب، داماد جوان بعد از گذشت ۹ سال از ماجرای این جنایت، سپیده دم سه شنبه گذشته پای چوبه دار رفت و با نظارت قضات اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به دار مجازات آویخته شد.

## سرقت ۸۰ میلیونی به بهانه تست فشار خون!

**توکلی** –سارقانی که تحت عنوان ماموران بهداشت وارد خانه ها شده و پس از بی هوش کردن افراد، اقدام به سرقت کرده بودند، به چنگ پلیس افتادند. به گزارش خبرنگار تما، در پی اعلام خبری مبنی بر سرقت پوشش مامور بهداشت بی درنگ موضوع در دستور کار ماموران پلیس آگاهی شهرستان رفسنجان قرار گرفت و ماموران تحقیقات خود را آغاز کردند. بنابر این گزارش، با حضور کارآگاهان در محل و انجام تحقیقات مشخص شد که دونفر تحت عنوان مامور بهداشت وارد خانه ای شده اند و پس از آن با خوراندن قرص، ساکنان آن را بی هوش و اقدام به سرقت کرده اند. فرمانده انتظامی رفسنجان با بیان این که کارآگاهان پلیس با انجام اقدامات اطلاعاتی یک زن و یک مرد را دستگیر کردند، افزود: این دوفتر با سوءاستفاده از لباس و گوشی طبی ضمن مراجعه به در منزل افراد کهن سال خود را مامور بهداشت معرفی می کردند و به بهانه تست فشار خون به آنان قرص می دادند و بای هوش شدن آن ها از منزل نشان سرقت می کردند. سرهنگ "محمد مهدی کریمی" با اشاره به دست داشتن سه نفر همدست با این دوفتر در فروش اموال سرقتی افزود: کارشناسان ارزش اجناس سرقتی از جمله طلا و جواهرات را ۸۰۰ میلیون ریال تخمین زده اند که توسط مالخران به مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال خریداری شده اند.

## سارق کابل عامل خاموشی های کرمان بود

**کرمانی** –سارق حرفه ای سیم های برق فشار قوی در کرمان دستگیر شد. به گزارش خبرنگار تما سرهنگ "محمد رضا فداء" فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت: به دنبال وقوع خاموشی های ناگهانی در چندین نقطه شهر کرمان در پی سرقت سیم های برق فشار قوی، دستگیری سارق یا سارقان به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت و با انجام بررسی های تخصصی مشخص شد سرقت ها توسط یک سارق حرفه ای از اتباع بیگانه انجام شده است. پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهم در یک عملیات غافلگیرانه توسط ماموران کلانتری ۱۵ شهر کرمان در مخفیگاهش دستگیر شد. وی با اشاره به کشف تعدادی از کابل های سرقتی از مخفیگاه این سارق تصریح کرد: متهم در بازجویی های پلیسی و در مواجهه با دلایل و مستندات قانونی پلیس لب به سخن گشود و به ۴۷ فقره سرقت سیم برق فشار قوی در شهرستان کرمان اعتراف کرد.

## انفجار مرگبار کامیون نفتکش در چین

انفجار یک کامیون نفتکش در شهر ساحلی ونلینگ چین، ۴ کشته و ۱۵ زخمی به جا گذاشت. به

گزارش اسپوتنیک به نقل از گلوبال تایمز، در

حادثه انفجار این کامیون نفتکش در شهر ساحلی

ونلینگ، استان چیچیانگ چین به خانه ها و وسایل

نقلیه اطراف محل انفجار به شدت آسیب رسید و در

این حادثه چهار نفر کشته و حداقل ۱۵ نفر زخمی

شدند. تصاویر و فیلم های منتشر شده از این انفجار

صحنه های هولناک و عجیبی دارد.

## باتیبه فیش حج به سرزمین وحی ستر کنید خرید – فروش – نمنج – عمره نیش معلم ۱۳ – پلاک ۱ ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵ ۶۹

## دختر ۱۰ ساله مشهدی قربانی کودک آزاری شده است؟

# مرگ تلخ عسل!

## پزشکی قانونی: مهره های کمر دختر بچه شکسته و خونریزی داخلی داشته است

بیمارستان ۲۲ بهمن شد و به تحقیق در این باره پرداخت. وجود برخی آثار کبودی روی پیکر این دختر کوچک، در حالی ماجرای که پزشکان قانونی علت مرگ وی را خونریزی داخلی و شکستن مهره های کمر دانسته اند.

به گزارش خراسان، ساعت ۲۰ شب شنبه گذشته، ماموران انتظامی در تماس با قاضی ویژه قتل عمد مشهد، از مرگ مشکوک دختر بچه ای به نام «عسل» در یکی از مراکز درمانی، خبر دادند. در پی دریافت این گزارش، بلافاصله قاضی علی اکبر احمدی نژاد عازم

داشته است. اگر چه برخی تحقیقات محرمانه مقام قضایی از رفتار پر خاشگرانه نامادری با دختر بچه مذکور حکایت دارد اما زن جوان که به دستور قاضی احمدی نژاد بازداشت شد، در اظهارات خودش ادعا کرد: ظهر قبل از حادثه در منزل مادرم بودیم که دخترم (عسل) گفت: «من زمین خورده ام» او در خانه بازی می کرد و زمانی هم که قصد رفتن به بازار را داشتیم باز هم «عسل» گفت: «من روی زمین افتادم!» به توصیه مادرم او را خواباندم اما بعد از چند دقیقه مادرم گفت: رنگ او

پریده و حال خوبی ندار د! به همین خاطر با اورژانس تماس گرفتیم و او را به بیمارستان ۲۲ بهمن بردیم. گزارش خراسان حاکی است، پزشک قانونی علت مرگ دختر کوچک را شکستگی مهره های کمر و خونریزی داخلی اعلام کرده است. اما پدر دختر ادعا می کند، همسرش با «عسل» بسیار مهربان بود و در دفتر خاطر آتش از او به نیکی یاد می کرد. تحقیقات بیشتر درباره مرگ تلخ عسل ادامه دارد تا زوایای پنهان این ماجرای مشکوک روشن شود.

## دزدان تبر به دست صحنه وحشتناکی را رقم زدند

# زورگیری خونبار طلا در پوشش پاکبان

**سجاد پور** – عاملان زورگیری خونبار طلاهای یک زن مشهدی در حالی با کمک شهروندان و حضور پلیس در صحنه حادثه به دام افتادند که آن ها بازوی جوانی را نیز با ضرب تیر به شدت مجروح کردند.

فرمانده انتظامی مشهد درباره این حادثه خونبار به خراسان گفت: زن جوانی در بولوار طبرسی شمالی داخل کوچه آمد تا پسر ۱۴ ساله اش را صدا کند. او در حالی که مقابل مرد معتاد سابقه داری قرار گرفته بود بدون توجه به اطراف، دستش را از زیر چادر بیرون آورد و پسرش را خطاب قرار داد که به منزل باز گردد. در همین هنگام برق النگوهای طلای زن جوان، چشم مرد معتاد را گرفت و او را به وسوسه انداخت.

همسایه سابقه دار که دیگر نمی توانست از فکر بهای میلیونی النگوهای طلا بیرون بیاید به درون منزلش رفت و نقشه دستبرد به طلاهای زن جوان را کشید. این مرد ۴۵ ساله که علی اکبر نام دارد، ماجرای النگوها را برای یکی دیگر از هم بساطی های سابقه دارش بازگو کرد و بدین ترتیب غلامحسین نیز برای این دستبرد وحشتناک با او همراه شد. سرهنگ عباس صارمی ساداتی افزود: مرد ۴۵ ساله برای فریب پلیس بعد از وقوع سرقت نیز چاره ای اندیشید تا دستبر درابه

که توجه همسایگان را جلب کردند چرا که اهالی محل ابتدا تصور می کردند با یک مشاجره خانوادگی روبرو هستند اما صدای دلخراش زن جوان که فریاد می زد «به پسرم کاری نداشته باشید هر چه می خواهید با خود ببرید!» اهالی را به سوی منزل زن جوان کشاند، در این هنگام دزدان خشن با شوکر و افشانه به مادر و پسر حمله ور

این موضوع نقشه شوم همسایه معتاد را کامل کرد. یک روز وقتی پاکبان با پایان یافتن شیفت خدمتی اش طبق معمول لوازمش را درون گاری گذاشت و رفت، مرد معتاد شبانه لباس های او را سرتک کرد و نقشه وحشتناک خود را اجرا کند. او و همدستش در حالی که شوکر و افشانه فلفل تهیه کرده بودند کلاه کشی را نیز به سر کشیدند و چشم به در منزل زن جوان دوختند و به محض این که ساعت ۷ صبح شوهر آن زن برای رفتن به محل کار از خانه بیرون آمد، نقابداران تبر به دست از روی دیوار وارد منزل شدند. زن جوان و پسرش با دیدن دزدان نقابدار وحشت زده جیغ می کشیدند تا این

شدند و با کتک زدن آن ها، ۱۰ عدد النگوی زن جوان را نیز قیچی کردند. مقام ارشد انتظامی مشهد تصریح کرد: اهالی محل که به ماجرا مشکوک شده بودند ابتدا با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند

## ماجرای قتل فجیع دف نواز اصفهانی چه بود؟

تصادف است. یک کانال تلگرامی نیز مدعی شده است: روز دوشنبه ماموران خبر از یافتن جنازه بی تودر حالی که سر او کاملاً بریده شده و بر سینه اش گذاشته شده می دهند آن هادر همین باره اظهار کردند که دو نفر در باغ و قاتل اصلی در نزدیکی کاشان دستگیر شده است.

و کاربران شبکه های اجتماعی خبر از قتل مهدی نیکیخت دادو نو نوشته اند: مهدی نیکیخت حوالی ساعت سه بامداد روز یک شنبه ۱۸ خرداد جاری در باغی در شهرستان سمیرم اصفهان به طرز بی رحمانه ای به قتل رسیده و سروی ر ا بریده اند.

این گزارش می افزاید: در حالی که علت مرگ ترگ وی

شعر جوان استان اصفهان داشت، تلاش می کرد شاعران جوان را دور هم جمع و مشکلات شعری آنان را حل کند. وی خاطر نشان کرد: نیکیخت طی یک حادثه در سمیرم به دیار باقی شتافت و مراسم خاک سپاری او در زادگاهش، وروستای کبجوان اصفهان برگزار شد. در این میان برخی از رسانه ها

ردیف	موضوع	شماره مناقصه
۱	خرید تعداد هزار و چهارصد (۱۴۰۰) دستگاه چراغ خیابانی ۱۵۰ وات LED و تعداد یکصد (۱۰۰) دستگاه چراغ خیابانی ۹۰ وات LED جهت اجرای پروژه های رینگ روشنایی معابر جزیره لارک و هرمز از محل اعتبارات داخلی مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰,۰۸۸,۶۵۰,۰۰۰ ریال مدت زمان تحویل کالا: حداکثر ۱ ماه پیش پرداخت: بیست درصد (۲۰٪)	۹۹-۱۶
۲	خرید تعداد ده هزار (۱۰,۰۰۰) دستگاه کتتور تکفاز دیجیتالی عادی و تعداد پنج هزار (۵,۰۰۰) دستگاه کتتور سه فاز دیجیتالی عادی از محل اعتبارات داخلی مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱,۹۷۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال مدت زمان تحویل کالا: حداکثر ۲ ماه پیش پرداخت: ندارد	۹۹-۱۷
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه فقط به سه صورت ضمانت بانکی –کسر از مطالبات یا واریز وجه نقد مورد قبول می باشد.		
لذا کلیه تولیدکنندگان جهت خرید اسناد مناقصه خرید می تواننند پس از تاریخ درج آگهی نوبت دوم در روزنامه به مدت پنج روز جهت خرید اسناد مناقصه با در دست داشتن قبض واریز مبلغ پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) ریال به حساب سپهر شماره (۰۲۹۹۷۰۶۵۰۰۵) نزد بانک صادرات شعبه گلشهر بندرعباس، به آدرس ذیل و یا (شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر) به آدرس <a href="http://www.tavanir.org.ir">www.tavanir.org.ir</a> مراجعه نمایند. و تصویر قبض واریزی خرید اسناد خود را در مدت زمان تعیین شده در خصوص خرید اسناد به کارشناس مناقصات تحویل یا فکس نمایند.		
– آدرس دستگاه مناقصه گزار: بندرعباس – بولوار جمهوری اسلامی – جنب شهرک مسکونی زیتون (نیر و گاه قدیم) شرکت توزیع نیروی برق هرمز گان تلفن: ۰۲۶-۳۱۲۰۱۵۲۹ فاکس دبیر خانه: ۰۲۶-۳۳۵۶۴۰۴۹ (درج شماره مناقصه، نام شرکت کننده، تلفن و فاکس بر روی قبض واریزی الزامی می باشد. و عواقب عدم درج اطلاعات و ارسال بر عهده شرکت کننده می باشد)		
– محل برگزاری پاکت: شرکت توزیع برق هرمز گان – دفتر امور تدارکات و انبارها		
– به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهاتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل می شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.		
– فقط تولید کنندگان مجاز به شرکت در مناقصه های فوق می باشند.		
– هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.		
– آدرس داللود اسناداز طریق (سایت اطلاع رسانی معاملات توانیر) و لینک( <a href="http://tender.tavanir.org.ir/search_mo.asp">http://tender.tavanir.org.ir/search_mo.asp</a> ) و با پرکردن فیلدهای بخش جستجو بصورت (شرکت، شرکت زیر مجموعه،روش معامله،نوع معامله،سال جاری و تاایید کلمه جستجو) اسناد را مشاهده و داللود نمایند.		
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۳/۲۵ تاریخ تاریخ نوبت دوم: ۹۹/۳/۲۶		

**روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق هرمز گان**

۱۳۹۹-۱۷۸۸

## حوادث

## ۹

در امتداد تاریکی

## زندگی در سیاهی!

وقتی بعد از دواج با همسر م دچار اختلاف شدم هیچ گاه به عاقبت طلاق و آسیب های بعد از آن فکر نکردم به همین خاطر زندگی من دچار فراز و نشیب های شدیدی شد به گونه ای که در سیاهی روزگار می گذراندم و...

زن ۳۵ ساله ای که مدعی بود پای دختر دیگری به زندگیش باز شده و حالا همسرش او را با کتک کاری از منزل بیرون انداخته است درباره سرگذشت پرفراز و فرودش به کارشناس اجتماعی کلانتری میزراکوچک خان مشهد گفت: در سال اول دبیرستان تحصیل می کردم که از چاهبار به مشهد مهاجرت کردیم چرا که پدر بزرگم بخاطر سکونت ما در جنوب کشور بود و اصرار داشت در کنار یکدیگر زندگی کنیم. هنوز یک ماه بیشتر از ورودمان به مشهد نگذشته بود که پسر عمه ام به خواستگاری ام آمد. او ۹ سال از من بزرگ تر بود اما من به خواست پدرم و در حالی که ۱۵ سال بیشتر نداشتم پای سفره عقد نشستم. به خاطر آن که هیچ گونه آگاهی از زندگی زناشویی نداشتم خیلی زود باردار شدم و روز بعد از جشن عروسی دخترم را به دنیا آوردم به طوری که همین موضوع به اختلافات شدیدی بین من و پدرم منجر شد. از سوی دیگر نیز همسرم مردی پر خاشگر بود و مدام مرا کتک می زد یا با الفاظ رکیک تحقیر می می کرد. آن زمان در منزل مادر همرم زندگی می کردم که تازه فهمیدم «قدرت» به تریاک و مصرف قرص های مخدر دار اعتیاد دارد. با آن که پسرم را باردار بودم چند بار تلاش کردم تا اعتیادش را ترک کند به همین دلیل برای تأمین هزینه ها پای چرخ خیاطی می نشستم تا برای تأمین مخارج زندگی دچار مشکل نشویم چرا که همسرم کارگر بنایی بود و نمی توانست هزینه های ترک اعتیادش را بپردازد. اما باز هم تلاش هایم بی فایده بود و ترک اعتیاد او بیشتر از یک ماه دوام نمی آورد و از طرف دیگر به خاطر خیاطی در دوران بارداری پاهای نوزادم دچار مشکل شد که دو سال زیر نظر پزشک بود و چند عمل جراحی برای بهبودی نقص جسمانی او انجام شد. دیگر تألمات روحی بر مشکلات خانوادگی و اقتصادی ام افزوده شد به همین دلیل به کارگری در منزل مردم مشغول شدم اما همسرم برای آن که خجالت نکشد نزد اطرافیان وانمود می کرد منشی یک شرکت مهندسی شده ام. دیگر همسرم از صبح تا شب به مصرف مواد مخدر مشغول بود و نمی توانست کار کند. زندگی بی سر و سامان من تنها هر روز آشفته تر می شد بلکه خانواده همسرم به من تهمت می زدند که با مردان نامحرم در شرکت ارتباط دارم در حالی که من اصلا در شرکت کار نمی کردم. چند بار با حالت قهر به منزل پدرم رفتم اما هر بار با وساطت بزرگ ترها به نزدیکی ام بازگشتم تا این که یک بار وقتی فهمیدم اقدام معتاد کردن مرا دارد و مقداری مواد مخدر درون چای من ریخته است با او به مشاجره پرداختم که در نهایت مرا به شدت کتک زد و حدود یک هفته در خانه زندانی ام کرد این بار وقتی موفق به فرار شدم به منزل پدرم رفتم اما این بار قصد بازگشت به خانه ام را نداشتم به همین دلیل منزلی را در نزدیکی خانه پدرم اجاره کردم و در یک کارگاه خیاطی مشغول کار شدم. بالاخره چند ماه بعد «قدرت» حاضر شد به شرط دریافت مبالغی از من و گذشت از مهریه و فرزندانم مرا طلاق بدهد. رفتم پس انداز هاوپول رهن خانه ام را به او دادم و به طور توافقی جدا شدیم. چند سال در کارگاه خیاطی کار می کردم و شب ها را نیز در محل کارم می خوابیدم اما وقتی صاحب کارم تصمیم گرفت به خاطر خواب در کارگاه از حقوقم کسر کند از آن جابرون آمدم و منزل کوچکی را در حاشیه شهر اجاره کردم. بعد از آن به کار خدماتی در یک هتل مشغول شدم و شب ها را نیز در منزل خیاطی می کردم تا این که اوضاع مالی ام بهتر شد اما از تنهایی رنج می بردم. خلاصه اواخر سال ۹۷ بود که با متصدی یک فروشگاه خدمات تلفن همراه آشنا شدم و چند ماه بعد به عقد موقت او در آمدم. «مهرشاد» مجرد بود و قرار شد به مدت پنج سال در عقد او باشم. دیگر تا بعد از ظهر در هتل کاری کردم و بعد از ظهرها نیز در امور خدماتی تلفن همراه برای همسرم فعالیت داشتم و چندین میلیون تومان هم به او کمک مالی کردم ولی بعد از گذشت چند ماه دیگر پاسخ تلفن هایم را نداد و به دیدارم نیامد. او مدعی بود اتفاق بدی برایش افتاده و باید مدتی صبر کنم. خلاصه چهار ماه بعد فهمیدم که پای دختر دیگری در میان است و «مهرشاد» ادعا کرد با آن دختر از دواج کرده اما قصد دارد او را به خاطر مشکلات اخلاقی طلاق بدهد. به او گفتم بدهکاری هایت را پس بده و به دنبال کارت برو! ولی او شبانه با دوستانش به منزل من ریختند و مردی صبر نکرد. حالا... به کلی آشنایی خودش با مرا انکار می کند و...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ محسن باقی زاده حکاک (رئیس کلانتری میزراکوچک خان)

رسیدگی به شکایت این زن در دایره مددکاری

اجتماعی کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری

خراسان رضوی